

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل

۱۸ فیروزی ۲۰۲۰

قتل عام ۹ جوان در "قلعه مسلم" کابل، آیا آغاز تطبیق "نسخه برازیلی" در افغانستان است؟

دوشنبه- ۲۸ دلو ۱۳۹۸- کابل: از جمله اخبار مهمی که وجدان شهروندان کابل را تکان داد و اگر در کدام کشور دیگری اتفاق می افتاد، باعث ایجاد زلزله های سیاسی می گردید، خبر قتل عام ۹ جوان باشنده "قلعه مسلم" در دامنه های کوه قروغ بود که حوالی ساعت ۸ شام، شنبه ۲۶ دلو به وسیله نیروهای مسلح ناشناس اتفاق افتاد. در یادداشت امروز توجه شما را به این نوع کشتار که در فرهنگ کشتار های جمعی موسوم به "نسخه برازیلی" است جلب می نمایم:

۱- آنچه در مورد این قتل عام وحشیانه از همه مهمتر است، تلاش دولت دست نشانده و حتا رسانه ها در کتمان هویت مقتولین، چگونگی به قتل رسیدن آنها، هویت قاتلان و سیاه نمائی شخصیت آنها و انگیزه های جرم است. چه در حالی که اهالی محل، مقتولین را جوانان بی آزار و حتا یک تن از آنها را کارمند دولت در اداره امور معرفی می نمایند و هیچ یک از باشندگان محل از آنها به بدی و یا امنیت شکنی یاد نمی کنند و در مورد آنها همین اندازه می گویند که برای زدن یگان "سگرتی" گردهم در آن ویرانه جمع شده، بعداً به خانه هایشان مراجعت می نمودند، پولیس دولت دست نشانده، با برجسپ "معتاد" و پخش چنان اتهام و برجسپی از طریق رسانه های وابسته به دولت دست نشانده، به سیاه نمائی پرداخته به نحوی ذهنیت مردم را چنان آماده ساخته است که مرگ آنها را کاملاً بی ارزش تلقی نموده، کسی راجع به آن فکر نکند.

۲- برداشتن خبر این قتل عام از سر خط اخبار داخلی و خارجی وقتی در مقایسه به کشته شدن سگ یک خانم ورزشکار در هرات و دوام خبر مرگ سگ در سرخط اخبار در نظر گرفته می شود، گذشته از این که بی ارزشی حیات ۹ جوان افغان را می رساند، حکایت از دستان پشت پرده ای دارد که نمی خواهند به هیچ وجه این خبر زیاد انعکاس رسانه ئی بیابد. امری که به نویسنده این سطور هوشدار می دهد که در اجرای این قتل عام باز هم دست عمال دولت دست نشانده دخیل است ورنه حیات ۹ جوان حتا اگر معتاد هم بوده باشند، ارزش بیشتر از کشته شدن سگ یک دختر خانم را دارد و نمی بایست با چنان سرعتی خبرش از تمام رسانه ها چیده می شد.

هموطنان گرامی!

شاید شما هم راجع به "نسخه برازیلی" چیزی خوانده و یا شنیده باشید. تا جایی که معلومات من اجازه می دهد در زمینه چیزی بنگارم، "نسخه برازیلی" به آن قتل ها و کشتار های بی باکانه و مرموزی اطلاق می گردد، که تیم های کشتار دولتها، در یک تفاهم قوای اجرائیه، مقننه و قضائیه، تعدادی از افراد را ناباب، مهدور الدم و واجب القتل تشخیص و از جانب دولت قتل طرف را به مثابه وظیفه به صورت مخفیانه انجام می دهند.

چنین قتل هائی بدان علت به "نسخه برازیلی" شهرت یافت، که برای بار اول دولت های طبقاتی مدافع سرمایه داری در برازیل، به کشتار اطفال و جوانان بی کس و به اصطلاح خیابانی و سرراهی زیر نام تأمین امنیت شهروندان و جلوگیری از سرقت های کوچک و خس دزدی ها پرداخت.

بر مبنای "نسخه برازیلی"، شهروندان یک کشور از دید مقامات تصمیم گیرنده یعنی هر سه قوه یک دولت طبقاتی وابسته به سرمایه، به دو بخش تقسیم می گردند: آنهایی که به تراکم و ازدیاد سرمایه مفید اند و آنهایی که از دیدگاه سرمایه، ادامه حیات آنها منفعتی بر تراکم و ازدیاد سرمایه ندارند. بر این مبنای، دسته اول حق دارند تا زمانی زنده بمانند و زندگی نمایند که ظرفیت منفعت رسانی به تراکم و تزئید سرمایه را دارا هستند، دسته دوم که حیات شان کدام منفعتی برای تراکم و تزئید سرمایه ندارد، می تواند از طرف تیم های خاص مرگ به قتل برسند.

نتیجه تطبیق چنین سیاستی در برازیل به خصوص در "ریودو ژنیرو" پایتخت آن کشور، قتل عام صد ها و هزاران طفلی بود که از جانب خانواده ها و جامعه روی سرک گذاشته شده بودند.
هموطنان گرامی!

تلاشی را که امروز وزارت داخله دولت دست نشانده در همسویی کامل با رسانه های وابسته به امپریالیسم و ارتجاع در قسمت معرفی آن ۹ قربانی تجاوز و غارت به مثابه معتادان یعنی آنهایی که از دید سرمایه ادامه حیات شان هیچ نوع منفعتی برای جامعه ندارد و جامعه از حذف فزینی آنها یعنی به قتل رساندن شان ضرری نمی کند، از خود نشان می دهد، این شک را به وجود می آورد که نکند دولت دست نشانده زیر رهبری "مغز متعفن" جهان، تصمیم گرفته باشد تا "نسخه برازیلی" را در افغانستان نیز عملی و اجراء نماید.
هموطنان گرامی!

این که اعتیاد بد است و می باید علیه آن مبارزه صورت گیرد بدان معنا نیست که انسان معتاد دیگر انسان نیست و نباید حق حیات داشته باشد. عکس آن باید پذیرفت که معتادان در کل قربانیان مناسبات طبقاتی مبتنی بر سود، سرمایه و اشغال اند. امری که احصائیه های رسمی دولت دست نشانده و باداران شان نیز نمی تواند آن را انکار نماید. چه آنها خود می نویسند که در زمان حاکمیت طالب در سراسر افغانستان تعداد معتادان کمتر از ۳ هزار تن بود در حالی که امروز با بیش از ۳ میلیون نفر از آن جمله بیشتر از ۱۰۰ هزار زن، عملاً ده درصد نفوس افغانستان آشکارا معتاد شده اند.

دلیل این تزیادهندسی و هزار چند شدن، حاکمیت مناسبات اشغالگرانه، استعماری و فوق ارتجاعی در افغانستان است. در نتیجه تمام معتادان قربانی تجاوز و اشغال و مناسبات اجتماعی که آنها قایم نموده اند می باشند، نه مجرم. جامعه مکلف است تا دست قربانی را گرفته به وی کمک کند تا خود را بازیابد، نه این که با فرستادن تیم های مرگ آنها را راهی گورستان نماید.

هموطنان گرامی!

هرگاه امروز من و تو در مقابل این عمل شنیع و ضد انسانی دولت دست نشانده حین تطبیق "نسخه برازیلی" سکوت کنیم و از حق حیات قربانیان تجاوز و اشغال به دفاع برنخیزیم، می توانیم مطمئن باشیم که فردا و پس فردا، دولت دست

نشانه حلقه حق حیات را تنگتر نموده من و تو و فرزندان ما را نیز به مانند سگ کشی های شاروالی به قتل خواهد رساند.

سرکها ما را می طلبد!